

◀ بررسی رابطه عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با سبک های فرزند پروری والدین (مستبدانه، سهل گیر و مقتدارانه منطقی) دانش آموزان شهر شیراز در سال تحصیلی 1402-1403

هاجر مرادی، فاطمه حشمت زاده، زینب السادات حسینی، فاطمه سادات شفیعی

- ۱- کارشناسی ارشد جمعیت شناسی، دانشگاه شیراز.
- ۲- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۳- کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۴- دکترای تخصصی روانشناسی سلامت دانشگاه تهران. ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ انجام گرفته است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری در این تحقیق والدین و کلیه دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر شیراز بوده است که تعداد ۳۰۰ نفر از آنها به روش تصادفی چند مرحله ای انتخاب شده بودند. در تجزیه و تحلیل آماری در دو بخش داده ها مورد بررسی قرار گرفتند در بخش اول که شامل آمار توصیفی مربوط به شاخص های مرکزی (میانگین - میانه) و شاخص پراکندگی (انحراف استاندارد، واریانس کجی و کشیدگی) است و در بخش آمار استنباطی از آزمون ضریب همبستگی، رگرسیون و آزمون تحلیل واریانس درون موردی استفاده شد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه شیوه های فرزند پروری بامریند (۱۹۹۱) و معدل کل دو نیمسال اول و دوم دانش آموزان به عنوان شاخص اندازه گیری پیشرفت تحصیلی استفاده گردیده است. نتایج تجزیه و تحلیل های آماری تحقیق نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدارانه با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت معناداری دارد و سبک فرزند پروری سهلگیر و مستبدانه با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ارتباط منفی و معنادار آماری دارد. براساس یافته های پژوهش مبنی بر رابطه سبک های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، نتیجه می گیریم که براساس ضریب همبستگی به دست آمده بین شیوه فرزند پروری با نمره معدل تحصیلی دانش آموزان ارتباط مستقیم و مثبت وجود دارد به عبارتی در صورت تأکید والدین بر استفاده مؤثرتر و اصولمند فرزند پروری به شیوه اقتدار منطقی، پیشرفت تحصیلی فرزندان را به دنبال دارد. بنابراین آموزش در قالب ارائه بروشور و کارگاه های حضوری و مجازی به والدین پیرامون سبک های فرزند پروری می تواند به افزایش کیفیت و میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یاری رساند. بنابراین رشد و توسعه فرزندان در زمینه های اجتماعی، فرهنگی و آموزشی منوط به سبک فرزند پروری والدین است.

واژگان کلیدی: سبک های فرزند پروری، عملکرد، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان، والدین.

۱- مقدمه :

نظام آموزشی با مجهز بودن به نیروی انسانی مجرب و حرفه ای همواره یکی از بسترهای تأثیر گذار برای پرورش و بروز خلاقیت و پیشرفت علمی، تحصیلی نو نهالان علم در طول تمام دوران تحصیل بوده است. آموزش باید نه تنها جامع، پایدار و عالی باشد، بلکه باید به طور مداوم برای برطرف کردن چالش های جهان در حال تغییر و غیر قابل پیش بینی جهانی رشد کند (سردیوکوف^۱، ۲۰۱۷). سالهای طولانی این تفکر آغاز شده است که جوامع برای رشد و بقاء خود در جهان و پیشرفت در عرصه های مختلف علمی باید متکی بر یک نظام آموزشی قوی باشند. یک نظام آموزشی که بتواند استعداد های ذاتی و فطری افراد را که اصطلاحاً خلاقیت نامیده می شود و منجر به پیشرفت می گردد را به منصفه ی ظهور برساند. آموزش و پرورش در هر نظام اجتماعی همانند معماران آن جامعه در شکل دادن به فرآیندهای آتی آن نقش مهم و تأثیر گذاری دارند؛ این تأثیر گذاری از پرورش ویژگی های شخصیتی افراد تا ویژگی های اجتماعی هر نسل و دوره ای را در برمی گیرد (نظری و یزدان ستا، ۱۳۹۸).

عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانشآموزان تحت تأثیر عوامل متعددی است، که از جمله این عوامل میتوان به سبکهای فرزند پروری والدین اشاره کرد (مهربان، کرمی، اسدزاده و ستوده اصل، ۱۳۹۸). خانواده به عنوان اولین کانون بنیادی که زیر ساخت های لازم را برای رشد و تحول در حوزه های مختلف شناختی و اجتماعی فراهم می کند مورد توجه دانشمندان در همه ی عرصه های علمی بالخصوص حوزه علوم شناختی و رفتاری قرار گرفته است. منظور از نقش خانواده در رشد انسان اشاره به مناسبات و تعاملات والدین با فرزندان و جو حاکم بر فضای خانواده که بیشتر خود را در قالب سبک های فرزند پروری والدین نشان می دهد مورد بحث و کنکاش قرار می گیرد. سبک فرزند پروری به منظومه رفتار والدین گفته می شود که منجر به جو عاطفی مداوم در طیف وسیعی از شرایط می شود (دیاکونو گراسیم و مایرین^۲، ۲۰۱۶). سبک های فرزند پروری به رفتارهای مشخص والدین اشاره دارد که به طور مجزا و در ارتباط با یکدیگر بر پیامدهای تحولی کودک اثر می گذارند و در برگیرنده میزان پاسخ گو بودن و مطالبه گر بودن والدین است (مهربان، کرمی، اسدزاده و ستوده اصل، ۱۳۹۸). پژوهش های معاصر در مورد شیوه های فرزند پروری، از مطالعات بامریند بر روی کودکان و خانواده های آنان نشأت گرفته است (پرچم، فاتحی زاده و یاری، ۱۳۹۱؛ حیدری، فلاحتی و حاجیلو، ۱۳۹۷). بامریند با توجه به دو بعد پاسخ دهی و تقاضا چهار روش فرزند پروری را عنوان کرده است: فرزند پروری مقتدرانه: والدینی که این الگوی فرزند پروری را دارند به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری می دهند و آنها را تشویق می کنند و نوعی محدودیت و کنترل را نیز بر آنها اعمال می دارند (طباطبایی، فضلی و یارعلی، ۱۳۹۲). فرزند پروری مستبدانه: با کنترل سخت، محدودیت زیاد، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و محبت مشخص می گردد (افشاری و دلپذیر، ۱۳۹۵). فرزند پروری سهل گیر: در این شیوه والدین مهرورز و پذیرا هستند، ولی متوقع نیستند، به کودک اجازه می دهند در هرسنی که باشند خودشان تصمیم گیری کنند، حتی اگر هنوز قادر به انجام دادن این کار نباشند (عزیزی نژاد و دیوبند، ۱۴۰۱) فرزند پروری بدون دخالت یا مسامحه: در این شیوه تربیتی، کنترل و محبت به فرزندان در کمترین ۸ کارانه سطح قرار دارد (پرچم، فاتحی زاده و یاری، ۱۳۹۱).

¹ Serdyukov

² Diaconu-Gherasim & Mairean

مطابق با پژوهش های انجام شده سبک تربیتی و پرورشی والدین به طور قابل توجهی پیامدهای مهمی را برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به دنبال دارد (افتخاری، رضایی و ایزدی، ۱۴۰۳). از آنجا که فرزندان هر خانواده، آینده سازان جامعه خویش هستند، پیشرفت تحصیلی آنها امری است که پس از سلامت جسمی و روانی، از اهمیت ویژه برخوردار است. حال با توجه به اینکه فرزندان در محیط خانواده رشد می یابند و تربیت می شوند. بنابراین الگوی تربیتی والدین نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی فرزندان شان دارد. پژوهش ها نشان می دهند از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر شخصیت، عزت نفس و رفتار کودک رابطه والد- کودک است (موحد زاده و کرمی، ۱۳۹۷) و روابط خانوادگی به طور کامل و روابط بین فرزندان به طور خاص، اثر عمیق و پایداری در پی ریزی رفتار های فردی کودک و برانگیختن روح زندگی، آرامش درونی و عزت نفس و در نتیجه بر سلامت روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی کودک دارد (وبستر، استراتونوهرمانان، ۲۰۰۸ به نقل از عزیزی نژاد و دیوبند، ۱۴۰۱) از این رو نفوذ والدین تنها در جنبه ارثی خلاصه نمی شود و انتخاب سبک فرزند پروری مناسب می تواند تأثیر مهمی در شکل گیری عزت نفس داشته باشد (ماسن، گیگان، هوستون و کانجر، ترجمه یاسایی ۱۳۸۰).

در فعالیت های آموزشی، دانش آموزان باید نهایتاً به یکسری مطالب، مفاهیم، اصول و قواعد دست یابند آن را درونی کنند و یا به عبارت بهتر به اهداف آموزشی که از قبل تعیین شده و هدف نظام آموزشی رسیدن به آنها است، دسترسی پیدا کنند؛ پیشرفت در دسترسی به این اهداف که در پایان با ملاک های خاصی ارزیابی می شود، پیشرفت تحصیلی و آموزشی نامیده می شود (نظری، یزدان ستا، ۱۳۹۸). پیشرفت تحصیلی دانش یا مهارت توسعه یافته در موضوعات درسی است که توسط نمره به وسیله معلم یا مؤسسه آموزشی سنجیده می شود (سرکار و بنیک، ۲۰۱۷). پیشرفت تحصیلی متغیری است که همواره برای معلمان، دانش آموزان حائز اهمیت و در خور توجه بوده است. آموزگاران همواره در پی یافتن بهترین راه و روش های آموزشی هستند تا به کمک آن یادگیرندگانی داشته باشند که نه تنها مطالب ارائه شده در کلاس درس را به خوبی بفهمند بلکه در امور تحصیلی نیز خود انگیزه، فعال، علاقه مند و موفق باشند؛ چرا که فارغ از همه مسائل، پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان به عنوان یکی از مهمترین مالک های تعیین شایستگی معلمان و ارزیابی عملکرد آنان مطرح است؛ همچنین عملکرد و پیشرفت تحصیلی برای دانش آموزان نیز بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که امروزه معدل تحصیلی به عنوان یک شاخص مهم از توانایی های علمی آنها برای ورود به دنیای کار و اشتغال و مقاطع تحصیلی بالاتر مورد توجه قرار گرفته است (مهربان، کرمی، اسدزاده و ستوده اصل، ۱۳۹۸). دست یافتن به نتایج مثبت در زمینه تحصیل با شناسایی عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی می تواند منجر به پیشرفت همه جانبه دانش آموزان و جامعه گردد (فائد رحمتی، بختیاری و فرزاد، ۱۳۹۶).

پژوهش لیندزی (۲۰۱۹) نشان دهنده رابطه مثبت بین شیوه پاسخگویی عاطفی مادر با شایستگی ها و رفتارهای جامعه پسند فرزندان بود. نظر به کمبود پژوهش های در باب رابطه بین شیوه های تربیتی والدین و خودپنداره مرتبط با مدرسه و رابطه این دو متغیر با پیشرفت تحصیلی در میان دانش آموزان ابتدایی، محقق درصد برآمد به منظور یافتن پاسخ به ابهامات موجود در این زمینه به تحقیق فعلی مبادرت کند. اما در این تحقیق محقق قصد دارد کاری جدید را انجام داده و تعامل این دو جنبه را با یکدیگر ترکیب نماید یعنی رابطه شیوه های تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. چرا که خانواده مهمترین محیط اجتماعی است که رشد و تکامل کودکان را تحت تاثیر قرار می دهد. مثلاً نوع

روابط خانوادگی تا حدود زیادی سرنوشت و ویژگی‌های شخصیتی آینده‌ی کودک را تعیین می‌کند و تجارب خانوادگی مختلف، باعث شکل‌گیری ادراک‌های متفاوتی از «خود» می‌شود. با وجود پذیرفته شدن تاثیر عوامل موروثی و محیطی در رشد و تکوین شخصیت، خانواده هم چنان به عنوان اولین و مهمترین پایگاهی که کودک در آن از کیفیت روابط انسانی آگاه یافته و در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی فرد نقش بسزایی ایفا می‌کند و نیز از لحاظ سازگاری فرد با جامعه و شناخت فرد از خودش دارای آثار وسیعی می‌باشند. بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان معتقدند که ریشه‌ی بسیاری از مشکلات رفتاری و انحرافات شخصیتی در کودکان را باید در الگوهای تربیتی والدین و ویژگی‌های شخصیتی آنها جستجو نمود تجارب اولیه‌ی کودک در خانواده، سازنده و زیربنای شخصیت و رفتارهای بعدی کودک است و حتی ریشه بسیاری از انحرافات شخصیتی و بیماری‌های روانی را در پرورش نخستین کودک باید جستجو کرد (عزیزی نژاد و دیوبند، ۱۴۰۱). روابط والد-فرزند و سایر اعضای خانواده را می‌توان به عنوان نظام یا شبکه‌ای از بخش‌های متفاوتی دانست که در کنش متقابل با یکدیگرند. این کنش متقابل و نوع روابط عاطفی والد-فرزند، باعث ایجاد انتظارات و واکنش‌های خاصی در مورد «خود» می‌شود. البته رفتارهای مبتنی بر اندیشه و ادراک کودک، ممکن است مورد تشویق والدین قرار گیرند، و در نتیجه بر دامنه‌ی بروز و گسترش رفتار و تصورات افزوده شود. و یا ممکن است از سوی والدین سرکوب شده و توجهی به آنها نشود از این رو نوع پالایش‌های فکری کودک به طور مستقیم و یا غیرمستقیم که از سوی والدین صورت می‌گیرد و بازخوردهای حاصله در روند نظام شکل‌گیری شخصیت فرزند و نگرش‌های او نقش مهمی ایفاء می‌نماید و زیربنای سبک ادراکی او را از «خود» پایه‌ریزی می‌کند (مهربان و کرمی، ۱۳۹۷).

به دلیل اهمیت موضوع و دامنه نفوذ آن بر جنبه‌های مختلف رفتار و کنش‌های افراد، محققان داخلی و خارجی از جنبه‌های مختلف و با متغیرهای متنوع به بررسی موضوع حاضر پرداخته‌اند. بدون شک نقش خانواده بعنوان مهمترین عامل تعیین کننده در رفتار فرزندان است یکی از مشکلات عمده‌ای که معمولاً والدین با آنها مواجه هستند عدم اطلاع کافی از چگونگی کاربرد شیوه‌های تربیتی مناسب در قبال فرزندان‌شان می‌باشد. والدین معمولاً از نتایج برخورد با فرزندان‌شان یا بازخوردی دریافت نمی‌کنند و یا پدر و مادر نمی‌دانند در هر سنی از فرزندان‌شان چه انتظاراتی باید داشته باشند و این عدم آگاهی والدین از شیوه‌های صحیح تربیتی فرزندان موجب مشکلات در رفتار والدین با فرزندان شده و متعاقباً در پیشرفت تحصیلی و عملکرد فرزندان نقش دارد. پژوهش حاضر در پی آن است تا بررسی کند شیوه‌های فرزند پروری تا چه حد با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ارتباط دارد. از این روی، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر شیراز است که در سال ۱۴۰۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند.

۲- روش شناسی :

روش تحقیق حاضر از نوع همبستگی می‌باشد که به معنای بررسی میزان تغییرات یک یا چند عامل در اثر یک یا چند عامل دیگر است که از طریق ضریب همبستگی پرداخته می‌شود (خلعتبری و شیرودی، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر ابتدایی و والدین این دانش آموزان پرداخته شده است این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه دانش آموزان و والدین دانش آموزان در مقطع ابتدایی شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ می‌باشد.

با توجه به آمار کل دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی که ۴۲۰۰ نفر بودند با استفاده از جدول مورگان حجم نمونه ۳۰۰ دانش آموز دختر که در سال تحصیلی ۱۴۰۳ در شهر شیراز مشغول به تحصیل بودند بطور تصادفی انتخاب شدند. در این تحقیق برای انتخاب جامعه نمونه از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است.

جهت گردآوری اطلاعات، پس از هماهنگی با کادر مدیریت به کلاس ها مراجعه و پس از توضیح پیرامون پژوهش و هدف آن و هم چنین توضیح درباره پرسشنامه ها و نحوه ی پر کردن آنها پرسشنامه در اختیار دانش آموزان قرار داده شد. از دانش آموزان خواسته شد تا پرسشنامه مربوط به والدین را (پرسشنامه سبک فرزند پروری بامریند) با خود منزل برده و پس از پر کردن پرسشنامه توسط یکی از والدین آن را روز بعد با خود به مدرسه آورند و از هر کلاس پرسشنامه ها جمع آوری شد. از جمله ابزار سنجش پژوهش عبارتند از:

۱- پرسشنامه شیوه های فرزند پروری بامریند: این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند از سه الگوی آزاد گذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزند پروری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ سوال است که ده سوال آن به شیوه آزاد گذاری مطلق، ده سوال به شیوه استبدادی و ده سوال دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می شود.

اعتبار و روایی

بوری^۴ (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را به روش بازآزمایی برای آزاد گذاری ۰/۸۱، برای استبدادی ۰/۸۵ و برای اقتدار منطقی پدران ۰/۹۲ گزارش کرده است. وی همچنین درباره اعتبار پرسشنامه نتایج زیر را گزارش کرده است: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزاد گذاری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی (۰/۵۲) او دارد. طبق این پژوهش پایایی پرسشنامه برابر ۰/۷۹ است و در واقع پرسشنامه از روایی پژوهشی لازم برخوردار است. همچنین وضعیت هریک از سوالات پرسشنامه و همسانی درونی سوالات هم مورد بررسی قرار گرفتند، نتایج نشان می دهد که در صورت حذف برخی از سوالات ضریب اعتبار کاهش می یابد و در نتیجه این سوالات دارای ارزش بالایی هستند و در هیچ یک از موارد حذف سوال منجر به افزایش چشمگیر در ضریب اعتبار نبوده است و این حاکی از همسانی درونی سوالات است.

روش نمره گذاری

در این تست آزمودنی ها با مطالعه هر ماده نظر خود را با علامت × بر حسب یک مقیاس پنج درجه ای مشخص می کنند که از صفر تا چهار نمره گذاری می شود و با جمع نمرات، سه نمره مجزا درباره آزاد گذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می آید.

ده عبارت مربوط به مقیاس سهل گیری: ۱- ۶- ۱۰- ۱۳- ۱۴- ۱۷- ۱۹- ۲۱- ۲۴- ۲۸

ده عبارت مربوط به مقیاس استبدادی: ۲- ۳- ۷- ۹- ۱۲- ۱۶- ۱۸- ۲۵- ۲۶- ۲۹

ده عبارت مربوط به مقیاس اقتدار منطقی: ۴- ۵- ۸- ۱۱- ۱۵- ۲۰- ۲۲- ۲۳- ۲۷- ۳۰

۲- معیار پیشرفت تحصیلی دانش آموزان: که معدل نمرات نوبت اول و دوم دانش آموزان دختر که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ در پایه چهارم تا ششم مشغول به تحصیل بوده اند میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بدست آمد. جهت تجزیه و تحلیل های آماری با استفاده از نرم افزار اس پی اس نسخه ۲۶ در دو بخش آمار توصیفی مربوط به شاخص های مرکزی (میانگین - میانه)، شاخص پراکندگی (انحراف استاندارد، واریانس کجی و کشیدگی) و بخش امار استنباطی مورد استفاده واقع شد و شرط نرمال بودن داده ها محاسبه شد و سپس دراستنباط آماری از آزمون ضریب همبستگی، رگرسیون و آزمون تحلیل واریانس درون موردی استفاده شد.

روش اجرا

ابتدا ضمن ارائه معرفی نامه از دانشگاه به اداره آموزش و پرورش، مدارس مورد نظر طبق روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای مشخص شد. سپس هماهنگی لازم با مدیران این مدارس انجام شده و طبق قرار قبلی به این دبستانها مراجعه شد. پس از انتخاب تصادفی کلاس و دانش آموزان، به طور خلاصه و در حد دانش شاگردان هدف و اهمیت پژوهش برای آنها توضیح داده شد و لزوم همکاری آنها و والدینشان گوشزد گردید. سپس پرسشنامه ها در بین شاگردان مورد نظر پخش شد و آنها یادآوری شد که هر کدام از والدین یعنی پدر و مادر باید یکی از این پرسشنامه ها را پر کنند، ضمناً به آنها گفته شد در صورتی که نزد افرادی به غیر از والدین اصلی خود زندگی می کنند یا تک والدی هستند باز هم فرم مورد نظر را به مراقب خود بدهند تا توسط وی پر شود، و با علم بر اینکه محقق قادر به دستیابی به تمام والدین آنها نیست، درخواست شد تا ضمن امانتداری روز بعد پرسشنامه های پر شده را به مدرسه آورده تا توسط پژوهشگر جمع شود. روز بعد به آن دسته از دانش آموزانی که بنا به دلایلی والدینشان موفق به پاسخ دهی به آزمون ها نشدند به مدت یک هفته وقت داده شد تا پرسشنامه ها را برگردانند. پس گذشت یک هفته پژوهشگر مجدداً به مدارس مورد نظر مراجعه و تست های تکمیل شده را دریافت کرد.

۳- بحث درباره یافته ها

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه پیشرفت تحصیلی با سبک فرزندپروری والدین در بین دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ پرداخته است که نتایج نشان دادند که ۳۳,۳ درصد دانش آموزان پایه چهارم، ۳۳,۳ درصد پایه پنجم و ۳۳,۳ درصد پایه ششم؛ ۹ درصد دانش آموزان مادرشان تا ۳۰ سال سن آنها است، ۶۶,۷ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال دارند و ۲۴,۳ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال دارند. ۳۴,۳ درصد دانش آموزان مادرشان از نظر تحصیلی زیر دیپلم می باشند، ۵۴,۳ درصد دیپلم، ۴ درصد فوق دیپلم، ۳ درصد لیسانس، ۱ درصد فوق لیسانس و ۴ درصد دکتری بوده اند. جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به پیشرفت تحصیلی

شاخص های مرکزی				شاخص های پراکندگی		
میانگین		میانه		انحراف استاندارد	واریانس	کجی
18.68	19	0.807	0.652	1.13	1.25	کشیدگی
18.43	19	1.032	1.06	1.37	-1.37	
19.10	16.63	1.12	1.27	1.02	-1.39	

جدول توصیفی در فوق مربوط به شاخص های مرکزی و پراکندگی پیشرفت تحصیلی تحصیلی دانش آموزان در مقاطع چهارم، پنجم و ششم تحصیلی می باشند شاخص های مرکزی شامل میانگین و میانه و شاخص های پراکندگی شامل انحراف استاندارد، واریانس، داکجی و کشیدگی است. با توجه به شاخص کجی و کشیدگی که میزان آنها بین (-۱,۹۶) و (+۱,۹۶) می باشد می توان اینگونه برآورد کرد که اطلاعات مربوط به متغیر ها از توزیع نرمال تبعیت می کند

جدول (۲) آمار توصیفی مربوط به سبک های فرزند پروری

شاخص های پراکندگی				شاخص های مرکزی		سبک های فرزند پروری
کشیدگی	کجی	واریانس	انحراف استاندارد	میان	میانگین	
0.116	0.157	22.11	4.70	16	15.96	آزاد گذار
0.212	-0.231	34.48	5.87	18	17.58	استبدادی
-0.549	0.154	22.88	4.78	31.5	31.01	اقتداری

جدول توصیفی در فوق مربوط به شاخص های مرکزی و پراکندگی شیوه فرزند پروری والدین می باشند شاخص های مرکزی شامل میانگین و میان و شاخص های پراکندگی شامل انحراف استاندارد، واریانس، داکجی و کشیدگی است. با توجه به شاخص کجی و کشیدگی که میزان آنها بین $(-1,96)$ و $(+1,96)$ می باشد می توان اینگونه برآورد کرد که اطلاعات مربوط به متغیرها از توزیع نرمال تبعیت می کند. در ذیل جهت تحلیل داده ها ابتدا شرایط آزمون های پارامتریک محاسبه شد به این صورت که از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن متغیرها استفاده شد و نتایج آزمون نشان داد شرط استفاده از آزمون های پارامتریک موجود می باشد به همین منظور از آزمون پارامتریک (ضریب همبستگی پیرسون) استفاده شد.

جدول (۳) مربوط به آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن داده ها

خودپنداره تحصیلی	پارامترهای آماری
۴۵,۹۳	میانگین
۸,۰۵	انحراف استاندارد
۱,۳۸	کولموگروف-اسمیرنوف (Z)
۰,۰۶۸	سطح معناداری

نتایج آزمون فوق نشان می دهد Z حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در متغیر خودپنداره تحصیلی میزان $p\text{-valu}$ از ۵ صدم بزرگتر است بنابراین می توان گفت فرضیه صفر بنا بر نرمال بودن داده ها رد نمی شود. در نتیجه برای آزمون فرضیه ها از آزمون های پارامتریک استفاده می شود. جدول (۴) مربوط به آزمون همبستگی رابطه بین سبک های فرزند پروری و پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی		ضریب همبستگی پیرسون (r)
۱	پیشرفت تحصیلی	
۰,۴۲۰	سبک اقتداری	
-۰,۱۷۳	سبک آزاد گذار	
-۰,۲۱۸	سبک استبدادی	
۰	پیشرفت تحصیلی	سطح معناداری
۰,۰۰۰	سبک اقتداری	
۰,۰۰۱	سبک آزاد گذار	
۰,۰۰۰	سبک استبدادی	

نتایج جدول همبستگی در فوق نشان می دهد بین پیشرفت تحصیلی و سبک فرزند پروری اقتداری رابطه مثبت و معنادار مشاهده می شود و میزان همبستگی برابر با ۰,۴۲۰ می باشد و این میزان همبستگی در سطح آلفای ۵٪ با ۹۵ درصد اطمینان معنادار است جهت رابطه نیز مثبت و

مستقیم است یعنی هر چه خانواده بیشتر دارای تربیت فرزندان بیشتر از سبک اقتداری استفاده نمایند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بالاتر است. بین سبک فرزند پروری آزاد گذار با پیشرفت تحصیلی نیز رابطه معنادار مشاهده می شود و میزان همبستگی برابر با ۰,۱۷۳- می باشد همانطور که مشاهده می شود جهت رابطه منفی و معکوس است یعنی والدینی که در تربیت فرزندان دارای سبک آزاد گذار می باشند ، دانش آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین تری می باشند. همچنین بین سبک فرزند پروری استبدادی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری مشاهده شده است. و میزان همبستگی برابر با ۰,۲۱۸- می باشد همانطور که مشاهده می شود جهت رابطه منفی و معکوس است یعنی والدینی که در تربیت فرزندان دارای سبک استبدادی می باشند ، دانش آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین تری می باشند.

جدول (۵) مربوط به ضریب تعیین رگرسیون

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای انحراف از برآورد
۱	۰,۴۴۹	۰,۲۰۱	۰,۱۹۳	۰,۹۲۸

نتایج جدول فوق نشان می دهد میزان ضریب تعیین رگرسیون برابر با $R^2 = ۰,۲۰۱$ می باشد که این میزان نشان می دهد ۲۰,۱ درصد از تغییرات حاصل از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مربوط به سبک های فرزند پروری والدین است.

جدول (۶) مربوط به تحلیل واریانس

مدل	مجموع مجذورات	درجه گذاری	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۶۴,۲۵۷	۱	۲۱,۴۱۹	۲۴,۸۵	۰,۰۰۰
باقی مانده	۲۵۵,۰۹۱	۲۹۴	۰,۸۶۲		
کل	۳۱۹,۳۴۷	۲۹۵			

جدول تحلیل واریانس فوق نتایج ضریب تعیین رگرسیون را تأیید می کند و نتایج جدول نشان می دهد F مشاهده شده ($F=۲۴,۸۵۷$) در سطح آلفای ۵ درصد معنادار است و فرض صفر رد می شود. در نتیجه در فرضیه فوق ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است.

جدول (۷) مربوط به معادله خط رگرسیون

مدل رگرسیون	B	خطای معیار	بتای غیر استاندارد	بتای استاندارد	T	سطح معناداری
عرض از مبدا (a)	۱۶,۸۶		۰,۴۷۱		۳۵,۷۶	۰,۰۰۰
سبک آزاد گذار	-۰,۰۲۸		۰,۰۱۲	-۰,۱۹۸	-۲,۳۳	۰,۰۳۴
سبک استبدادی	-۰,۰۱۹		۰,۰۰۹	-۰,۱۱۰	-۲,۰۵	۰,۰۴۱
سبک اقتداری	۰,۰۸۳		۰,۰۱۲	۰,۳۸۳	۷,۱۳	۰,۰۰۰

جدول بتا در فوق نتایج نهایی رگرسیون را نشان می دهد و با توجه به این جدول می توان معادله خط رگرسیون را ترسیم کرد:

$$(\text{سبک استبدادی}) - ۰,۰۱۹ - (\text{سبک آزاد گذار}) ۰,۰۲۲ - (\text{سبک اقتداری}) ۰,۰۸۳ + ۱۶,۸۶ = \text{پیشرفت تحصیلی}$$

نتایج جدول فوق نشان می دهد سبک های فرزند پروری دارای تأثیر معنادار در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد. همچنین با توجه به میزان بتا می توان گفت به ازاء یک واحد افزایش در سبک فرزند پروری اقتداری ۰,۳۶۳ درصد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

افزایش می یابد و این میزان پیش بینی با توجه به آماره $t(7,13)$ در سطح آلفای ۵٪ معنادار است. به ازاء یک واحد افزایش در سبک فرزند پروری استبدادی ۰,۱۱۰ درصد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان افزایش می یابد و این میزان پیش بینی با توجه به آماره $t(2,05)$ در سطح آلفای ۵٪ معنادار است. به ازاء یک واحد افزایش در سبک فرزند پروری آزاد گذار ۰,۱۹۸ درصد پیشرفت تحصیلی دانش آموزان افزایش می یابد و این میزان پیش بینی با توجه به آماره $t(2,33)$ در سطح آلفای ۵٪ معنادار است.

جدول (۸) مربوط به فاکتورهای درون گروهی

ردیف	فاکتورهای درون موردی
۱	شیوه فرزند پروری آزاد گذار
۲	شیوه فرزند پروری استبدادی
۳	شیوه فرزند پروری اقتداری

جدول فوق مربوط به فاکتورهای درون گروهی است که شامل شیوه فرزند پروری آزاد گذار، استبدادی و اقتداری است.

جدول (۹) مربوط به فاکتورهای بین گروهی

سطوح	فاکتورهای بین موردی
پایین متوسط بالا	پیشرفت تحصیلی

جدول فوق مربوط به فاکتورهای بین گروهی است که شامل دانش آموزان دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا است.

جدول (۱۰) مربوط به محاسبه یکسانی واریانس ها

گروه ها	f	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
آزاد گذار	۰,۹۱۸	۶	۲۸۹	۰,۴۸۲
استبدادی	۱,۴۸	۶	۲۸۹	۰,۱۸۴
اقتداری	۱,۸۷	۶	۲۸۹	۰,۱۹۷

جدول فوق مربوط به آزمون یکسانی واریانس ها است، همانطور که مشاهده می شود میزان f در سطح آلفای ۵ صدم با درجه آزادی ۵۸ معنادار نیست در نتیجه می توان گفت شرط یکسانی واریانس ها انجام گرفته است.

جدول (۱۱) آزمون همسانی واریانس کوواریانس ها

BOX	۴۱,۲۷
F	۱,۲۷
DF1	

DF2 Sig	۳۰ ۶۲۷۲٫۹ ۰٫۱۴۲
------------	-----------------------

نتایج جدول فوق نشان می دهد چون میزان sig از ۰/۰۵ بزرگتر است در نتیجه می توان گفت که یکسانی واریانس ، کوواریانس بین متغیر های وابسته وجود دارد بنابراین از آزمون گرین هوس - گیسر استفاده می شود.

جدول (۱۲) آزمون اثر فاکتور های درون گروهی و بین گروهی

منبع تغییرات	آزمون آماری	مجموعه مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
شیوه های فرزند پروری	Sphericity Assumed	1402.3	2	701.1	29.5	.000
	Greenhouse-Geisser	1402.3	1.97	710.7	29.51	.000
	Huynh-Feldt	1402.3	2	701.1	29.51	.000
	Lower-bound	1402.3	1	1402.3	29.51	.000
تعامل شیوه های فرزند و پیشرفت تحصیلی	Sphericity Assumed	938.9	4	234.7	9.87	.000
	Greenhouse-Geisser	938.9	3.94	237.9	9.87	.000
	Huynh-Feldt	938.9	4	234.7	9.87	.000
	Lower-bound	938.9	2	469.4	9.87	.000
تعامل شوه های فرزند پروری و پیشرفت تحصیلی	Sphericity Assumed	12.3	4	3.07	.13	.972
	Greenhouse-Geisser	12.3	3.94	3.1	.13	.971
	Huynh-Feldt	12.3	4	3.07	.13	.972
	Lower-bound	12.3	2	6.15	.13	.879
خطا	Sphericity Assumed	13734.1	578	23.76		
	Greenhouse-Geisser	13734.1	570.2	24.08		
	Huynh-Feldt	13734.1	578	23.76		
	Lower-bound	13734.1	289	47.52		

نتایج آزمون تحلیل واریانس درون موردی در فوق نشان می دهد میزان رابطه حاصل از تعامل شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی معنادار است. و نیز تعامل شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی نیز معنادار است.

۴- نتیجه گیری

تحقیق با هدف بررسی رابطه بین سه شیوه متداول فرزند پروری والدین شامل سبک اقتدار منطقی، سبک آزاد گذار و سهل گیر و سبک استبدادی والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان پرداخته شده است. تفاوت های فردی دانش آموزان از نظر عملکرد و پیشرفت در موضوعات درسی همواره مورد توجه دست اندرکاران تعلیم تربیت و متخصصان علوم رفتاری و شناختی در طول ادوار گذشته تا زمان حاضر بوده است. در پی کنکاش درباره این موضوع سبک فرزند پروری والدین به عنوان یکی از مؤثرترین و کلیدی ترین عوامل مطرح شده است. در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی این عامل مهم انجام پذیرفته است.

پژوهش حاضر در بین تعداد ۳۰۰ نفر از دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر شیراز که در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ مشغول به تحصیلی بوده اند و والدین همین فرزندان به صورت نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای که بطور تصادفی بعنوان نمونه آماری انتخاب شده اند انجام

⁵.Greenhouse - Geisser

گرفته است. نتایج تجزیه و تحلیل های آماری نشان دادند که بین سبک های فرزندپروری والدین و عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و مستقیم معنادار آماری وجود دارد. یافته ها نشان دادند که شیوه های فرزندپروری دارای تأثیر معنادار در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. ضریب همبستگی به دست آمده بین شیوه فرزندپروری با نمره معدل تحصیلی دانش آموزان در این پژوهش نشان می دهند ارتباط مستقیم و مثبت بین شیوه های فرزندپروری اقتداری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بدین معناست که در صورت تأکید والدین بر استفاده مؤثرتر و صحیحتر از این شیوه در تربیت و پرورش فرزندان، پیشرفت تحصیلی و عملکردی آنها را به دنبال دارد. این فرضیه با بخشی از دیدگاه های صاحب نظران و پژوهشگران سال های ۱۹۸۹ بالودی و ۱۹۹۰ آقای شفرهمخوانی دارد همچنین این بخش با نتایج و تحقیقات: طباطبایی، فضلی و یارعلی (۱۳۹۲)، نیک سیرت، خادمی اشکذری و هاشمی (۱۳۹۵)، نظری، یزدان ستا (۱۳۹۸)، مهربان، کرمی، اسدزاده و ستوده اصل (۱۳۹۸)، دیاکنو گراسیم و مایرین (۲۰۱۶)، مورگوس، تان، هین، ایلوت و جریگونکو (۲۰۱۶)، استیوان، آپرلیا و مگدالنا (۲۰۱۹) و کوکینوس و ویالونو (۲۰۱۹) همخوانی دارد.

از سوی دیگر، نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهند رابطه معکوس و منفی بین شیوه های فرزندپروری آزادگذار و استبدادی با پیشرفت تحصیلی وجود دارد. به عبارتی والدین با شیوه های فرزندپروری آزادگذار و استبدادی زمینه افت تحصیلی فرزندان را فراهم می نمایند. نتایج پژوهش سی روات سلمون و فران کوایس سریز در سال (۲۰۰۹) نشان می دهد که پرخاشگری کلامی والدین به تنهایی جدای از تنبیه بدنی به پایین آوردن اعتماد به نفس و افت تحصیلی کودک کمک می کند. با توجه به میزان استفاده از پرخاشگری کلامی توسط والدین، نویسندگان نیاز به آموزش و پرورش والدین بر موضوع روش های مثبت پرورش کودک را توصیه نمودند. پژوهش خادیمان در سال ۱۳۹۶ و همچنین جاویدی در همان سال بیشتر به ارتباط معکوس و منفی شیوه های سهل گیر والدین، با پیشرفت تحصیلی فرزندان همخوانی دارد. چرا که در این شیوه تربیتی سطح کنترل پایین و پذیرندگی بالا است و والدین هیچ قاعده، قانون و مقرراتی در خانه اعمال نمی کنند و انگیزه کافی برای پیشرفت تحصیلی در دانش آموز ایجاد نمی گردد. نتایج پژوهش فرمان و همکاران (۲۰۱۱)، بیو کرمیت و کارتر (۲۰۱۹)، اسپرا (۲۰۱۵)، آتاوای و هافربری (۲۰۱۴)، بی پرز و گوزن (۲۰۱۳)، و وینتر و یافه (۲۰۱۹) و یواسچو آرز (۲۰۲۰)، کلیو همکاران (۲۰۱۷)، استنبرگ، المنومونتس (۱۹۸۹)، مهرافروز (۱۳۹۹) همسو بوده آنان در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که شیوه های والدین برای تربیت فرزندان نشان اعمال می کنند بر پیشرفت تحصیلی آنان موثر است. عزیزی نژاد و دیوبند (۱۴۰۳) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری با راهبردهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی پایه دوم دبیرستانهای شهر تهران، به این نتیجه رسید که بین شیوه های فرزند پروری مقتدرانه والدین با راهبردهای یادگیری دانش آموزان رابطه معنا دار وجود دارد ولی بین دو شیوه دیگر با راهبردهای یادگیری رابطه معنا دار مثبت مشاهده نشد. بین شیوه های فرزندپروری، شیوه فرزندپروری مقتدرانه با پیشرفت تحصیلی نیز رابطه معنادار مثبت معنا دار دارد. تحقیقات آتاوای و هافربری (۲۰۱۷) پیرامون سبک فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی نوجوانان سیاه پوست نشان داد هرچه مادران به کنترل بیشتری معتقد باشند، نمرات درسی نوجوانان کمتر می شود و هیچ ارتباط آماری چشمگیر دیگری در این پژوهش، بین سایر متغیرهای فرزند پروری و نمرات درسی نوجوانان مشاهده نشد.

محدودیت ها و پیشنهادات:

این پژوهش همچون سایر پژوهش های توصیفی - همبستگی با محدودیت هایی در زمینه جمع آوری داده ها مواجه بوده است. از آن جا که داده ها به صورت خود گزارشی توسط آزمودنی ها به دست آمده است این امکان و احتمال وجود دارد که آزمودنی ها حالت تدافعی و خودسانسوری در پیش گرفته باشند و از بیان واقعیات کمی فاصله گرفته باشند. همچنین از آنجا که پژوهش حاضر مقطعی می باشد امکان رابطه علی بین متغیرهای پژوهش را نمی رساند. در این پژوهش تنها دانش آموزان سه پایه مورد بررسی قرار گرفته اند از آنجا که پیشرفت تحصیلی می تواند با شرایط سنی هم رابطه داشته باشد اجرای پژوهش های مشابه بر روی دانش آموزان سایر دوره ها و دانشجویان می تواند اطلاعات کامل تری را در اختیار پژوهشگران قرار دهد. با توجه به اثر سبک فرزندپروری بر عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، آگاه سازی والدین نسبت به سبک های فرزند پروری و اثرات هر یک از آنها بر فرزندان، از جمله پیشنهادات کاربردی می باشد که این امر از طریق برگزاری کلاسهای آموزش خانواده و کارگاه های کوتاه مدت و فشرده در مدارس توسط مشاوران و مسئولان نهاد های آموزشی تسهیل می گردد.

همچنین بهتر است که در پژوهش آتی به بررسی نقش متغیرهای مداخله گری همچون سطح تحصیلات والدین، سلامت روان شناختی والدین، هوش والدین، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده دانش آموزان و تأثیر دوستان به روشهای کمی و کیفی مورد بررسی قرار گیرد. و نیز با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش و از آنجا که معلوم گردید از بین انواع سبک های فرزندپروری، شیوه فرزندپروری اقتداری منطقی (آزاد منشانه) رابطه مثبت و مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان دارد. لذا به والدین و اولیای امور توصیه می گردد تا ضمن شناخت هرچه بیشتر ویژگی های این شیوه آن را در امور تحصیل فرزندان خود به کار برند و در این راستا پیشنهاد می شود تا وزارت آموزش و پرورش با تهیه جزوات آموزشی و کارگاه های آنلاین و مجازی در این زمینه، مدارس و آموزشگاه ها را ملزم نمایند تا در محتوای مباحث مربوط به آموزش خانواده و جلسات کارشناسان پرورشی و فوق برنامه آموزش شیوه های فرزندپروری را بگنجانند و در این جلسات به صورت مستمر راجع به مزایا و پیامدهای ناشی از اجرای شیوه فرزندپروری اقتداری بحث نمایند و اطلاع رسانی لازم به صورت مستمر انجام گیرد. از آنجا که ممکن است والدین سهل گیر و بی تفاوت در شیوه فرزندپروری آزاد گذار (مداراگر) کنترل ضعیفی بر روی عملکرد تحصیلی و وضعیت پیشرفت تحصیلی فرزندان را داشته باشند و به آنان آموزش استقلال و اتکاء به نفس را نمی دهند، لذا به متولیان مربوطه پیشنهاد می گردد تا در برنامه آموزش خود موضوع آموزشی استقلال و اعتماد به نفس را در بین دانش آموزان بگنجانند و از والدین بخواهند تا به اثرات طولانی و درازمدت ناشی از بکارگیری روش مداراگرا توجه بیشتری داشته باشند.

در دنیای پرتحول و پرفراز و نشیب امروزی تأثیر سواد و آگاهی بر تربیت نسل های آینده بر هیچ فردی پوشیده نیست. لذا این نکته ضرورت دارد که والدین نیز همواره علم آموزی را در اولویت و توجه قرار دهند و با رفتار و کردار خویش موضوعات دانش و اهمیت آن را بر کودکان و نوجوان انتقال دهند و همواره علم آموزی و ارزش دانش در صدر قرار گیرد.

منابع

- افتخاری، حجت، رضایی فرد، اکبر & ایزدی، سجاد. (۱۴۰۳). بررسی رابطه سبک فرزندپروری والدین و پیشرفت تحصیلی با میانجی گری عزت نفس دانش آموزان. پژوهش در روش های آموزش 2(3), 141-171. doi: 10.22091/jrim.2024.11401.1107
- افشاری، علی و دلپذیر، زینب. (۱۳۹۵). مقایسه سبک های فرزند پروری، اعتیاد به اینترنت و سازگاری اجتماعی در دانش آموزان عادی و دانش آموزان خود آسیب زن. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۲۷، 51-63.
- پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم و یاری، حمیداله. (۱۳۹۱). مقایسه سبکهای فرزند پروری با مریند با سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۰ (۱۴)، 115-138.
- حیدری، فاضله؛ فالچی، وحید و حاجیلو، جلیل (۱۳۹۷). نقش شیوه های فرزندپروری و سبکهای دلبستگی در پیشبینی سازگاری دانش آموزان با مدرسه. مجله روانشناسی مدرسه، ۱۷ (۱)، ۱۳۸-151. [Doi:10.22098/JSP.2018.661]
- طباطبایی، سیدعلی؛ فضل، رخساره و یارعلی، جواد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبکهای فرزندپروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان دوره ابتدایی. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۸، ۷-۲۲. [Doi:20.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]
- عزیزی نژاد، بهاره & دیوبند، افشین. (۱۴۰۱). الگوی علی نقش میانجی خلاقیت در تأثیر سبک های فرزند پروری بر پیشرفت تحصیلی و همنوایی تحصیلی دانش آموزان. روان شناسی مدرسه و آموزشگاه 1401.1608/jsp. doi: 10.22098/jsp.1401.1608, 11(4), 106-118.
- قائد رحمتی، معصومه؛ بختیاری، لیال و فرزاد، ولی اهلل (۱۳۹۶). فراتحلیل و بررسی عوامل مؤثر در نقش خودکارآمدی با پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۶۳ (۱۵)، 133-145.
- مهربان، سیدعلی؛ کرمی، ابوالفضل؛ اسدزاده، حسن و ستوده اصل، نعمت. (۱۳۹۸). تدوین مدل ساختاری برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی از طریق سبک های فرزندپروری و باورهای معرفت شناختی در دانش آموزان متوسطه دوره دوم شهر تهران. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۲ (۲)، ۲۰۹-۲۳۶. [Doi:20.1001.1.20086369.1398.10.38.10.6]
- موحدزاده، بهرام؛ کرمی، زهرا و یآوری کرمانی، مریم. (۱۳۹۷). بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری و سازگاری تحصیلی با واسطه گری صبر. فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ۱۳ (۴۵)، 37-53. [Dor:20.1001.1.26454955.1397.13.45.2.7]
- نظری، پروین و یزدان ستا، فاروق. (۱۳۹۸). بررسی نقش فعالیت های فوق برنامه در عملکرد تحصیلی با توجه به نقش میانجی خلاقیت. فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، ۱۷ (۱)، ۸۷-107. [Doi:10.34785/J012.2019.464]

- نائینی فرد، زهرا (۱۳۹۰)، بررسی رابطه سبک های فرزند پروری با خود کارآمدی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، دانشگاه علوم انسانی و اجتماعی کاشان.
- هبیتی، خلیل (۱۳۹۹). بررسی شیوه های فرزند پروری والدین و رابطه آن با شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان شهر زرقام، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم تربیتی، دانشگاه شیراز.
- هترینگتون، ای وپارک، اس وی (۱۳۹۳). روانشناسی کودک از دیدگاه معاصر، ترجمه جواد طهوریان و همکاران. انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول.

-Diaconu-Gherasim, L. R., & Mairean, C. (2016). Perception of parenting styles and academic achievement: The mediating role of goal orientations. *Learning and Individual Differences*, In Press, Corrected Proof. [Doi:10.1016/j.lindif.2016.06.026].

Parcham, A., Fatehizadeh, M., & Yari, H. (2011). Comparison of child-rearing styles with respect to responsible child-rearing styles in Islam. *Research in Islamic education issues*, 20 (14), 115-138. (Persian) Risk. *Journal of College Student Retention: Research, Theory & Practice*, 17(2), 186-203. [Doi:10.1177/1521025115578232].

- Seif, S., & Narimani, M. (2019). A meta-analysis of factors increasing and decreasing students' creativity. *Journal of School Psychology and Institutions*, 8(3), 109-126. (Persian) [Doi:10.22098/JSP.2019.844] .

-Tabatabaee, S. A., Fazli, R., & Yarali, J. (2013). Parenting styles, educational achievement, and behavioral disorders among elementary school students. *Quarterly Journal of Family and Research*, 10 (1), 7-22 (Persian) [Doi:10.1001.1.26766728.1392.10.1.1.4]

-Kokkinos, C.M., & Vlavianou, E. (2019). The moderating role of emotional intelligence in the association between parenting practices and academic achievement among adolescents. *Current Psychology*, 1-15. [Doi:10.1007/s12144-019-00343-5]

-serkar, S., & banik, S. (2017). A study on the adjustment and academic achievement of adolescent students. *International Journal Research-Grantaalayah Acknowledge Repository*. 5(6), 659-668. <https://doi.org/10.5281/zenodo.825592> .

-Sarac, M., Efil, I., & Eryilmaz, M. (2014). A study of the relationship between person-organization fit and employee creativity. *Management Research Review*, 37(5), 479–501. [Doi:10.1108/MRR-01-2013-0025]

Serdyukov, P. (2017). Innovation in education: what works, what doesn't, and what to do about it?. *Journal of Research in Innovative Teaching & Learning*, 10(1), 4-33. [Doi:10.1108/JRIT-10-2016-0007] .

-Soh, K. (2017). Fostering student creativity through teacher behaviors. *Thinking Skills and Creativity*, 23, 1-19. [Doi:10.1016/j.tsc.2016.11.002].

- Van Rooij, EC.M., Jansen, E P.W.A., & van de Grift, WJ.C.M. (2017). First-year university students' academic success: the importance of academic adjustment. *Instituto Superior de Psicologia Aplicada*, 1-19. [Doi:10.1007/s10212-017-0347-8] .

- Xiang, SH. Liu, Y., & Bai, L. (2017). Parenting styles and adolescents' school adjustment: Investigating the mediating role of achievement goals within the 2 _ 2 framework. Educational Psychology, 1-13. [Doi:10.3389/fpsyg.2017.01809]
- Singh, S.P., Malik, S. & Singh, P. (2016). Factors affecting academic performance of students.